



The Genealogy of the Concept of “*Sīrū fī al-Arḍ*” (Travel Through the Earth) in Qur’anic Exegesis: A Transition from “Historical Admonition” to “Field Research”

Meytham Shoeyb ¹ ; Reza Mollazadeh Yamichi ²

1. Graduated from the Department of Jurisprudence, Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. m.shoayb68@gmail.com ; <https://orcid.org/0000-0003-2904-9601>

2. Postdoctoral researcher in Quran and Hadith sciences, Ferdowsi University of Mashhad (researcher at the Astan Quds Razavi Research Foundation), reza.mollazadehyamchi@alumni.um.ac.ir

Article Info

Article Type:

Research Article

Article History:

Received 06 August
2025

Received in revised form
30 January 2026

Accepted 31 January
2026

Keywords:

Sīrū fī al-Arḍ,
Genealogy of Exegesis,
Methodology of Islamic
Sciences, Historical
Admonition, Field
Research.

ABSTRACT

The Qur’anic command “*Sīrū fī al-Arḍ*” (Al-Ankabut: 20) has always been considered a methodological foundation for acquiring knowledge in the Islamic tradition. This study, aiming to conduct a genealogy of this key concept, addresses the primary question of how the command to “travel through the earth” has evolved in the history of exegesis from a paradigm of “historical admonition” to “field research.” The research methodology is based on a qualitative content analysis of a wide range of Qur’anic commentaries from the early centuries to the contemporary era, employing a genealogical approach to uncover semantic shifts and ruptures. The findings indicate that the understanding of this concept has passed through three main paradigms:

1) The foundational admonition-based paradigm in early exegesis, which interpreted “travel” as a journey to observe the relics of past nations and learn from their fate.

Cite this article:

Shoeyb. M & Mollazadeh. R (2026). “The Genealogy of the Concept of “*Sīrū fī al-Arḍ*” (Travel Through the Earth) in Qur’anic Exegesis: A Transition from “Historical Admonition” to “Field Research””. *Methodology of Islamic Studies*. 2(2); 153-173.



© 2025 / The Author(s) retain the Copyright and full publishing rights.

Publisher: Islamic Propagation Office of Qom Seminary- Khorāsān-e-Razavi Branch. DOI:<https://doi.org/10.22081/mis.2026.72569.1069>

2) The paradigmatic turning points, initiated by al-Māturīdī's rationalistic interpretation (prioritizing intellectual travel) and Fakhr al-Dīn al-Rāzī's epistemological refinement (elevating "observation" to "argumentative inquiry"), which paved the way for a departure from the historical reading. 3) The contemporary science-based paradigm, which, in response to modern challenges, redefines "travel" as scientific and field research into nature to uncover the secrets of creation. This study concludes that the evolution in the understanding of "Sīrū fī al-Ard" demonstrates the dynamic capacity of the Qur'anic text to inspire diverse epistemological approaches and to respond to the intellectual needs of different ages.

تبارشناسی مفهوم «سیر در ارض» در تفاسیر قرآن:

گذار از «عبرت تاریخی» به «تحقیق میدانی»^۱

۱. میثم شعیب  ID: ۲. رضا ملازاده یامچی

۱. دانش آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول).

https://orcid.org/0000-0003-2904-9601 ; m.shoaib68@gmail.com

۲. پژوهشگر پسا دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد و پژوهشگر بنیاد پژوهش های

اسلامی آستان قدس رضوی؛ رایانامه: reza.mollazadehyamchi@alumni.um.ac.ir

تبارشناسی مفهوم
«سیر در ارض» در
تفاسیر قرآن: گذار
از «عبرت تاریخی»
به «تحقیق
میدانی»

۱۵۵



تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۲

چکیده

فرمان قرآنی «سیروا فی الأرض» همواره به عنوان یکی از مبانی روش شناختی کسب معرفت در سنت اسلامی مورد توجه بوده است. این پژوهش با هدف تبارشناسی این مفهوم، به این پرسش اصلی می پردازد که فرمان «سیر در ارض» در تاریخ تفسیر چه مسیر تحولی را از منظومه تفسیری «عبرت تاریخی» به «تحقیق میدانی» پیموده است. در این پژوهش، منظومه تفسیری به معنای مجموعه ای از مفروضات بنیادی، هدف های معرفتی و شیوه های

۱. شعیب، میثم و ملازاده یامچی، رضا (۱۴۰۴). «تبارشناسی مفهوم «سیر در ارض» در تفاسیر قرآن: گذار از «عبرت تاریخی» به «تحقیق میدانی»». دوفصلنامه روش شناسی علوم اسلامی. ۱ (۲): ۲. صص: ۱۵۳-۱۷۳.

 https://doi.org/10.22081/mis.2026.72569.1069



© ۱۴۰۴. نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.
ناشر: مرکز تخصصی آخوند خراسانی دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی.

پژوهش غالب است که مفسران یک دوره برای تأویل این فرمان قرآنی به کار بسته‌اند و ریشه در ساختارهای دانشی دوران خود دارد. روش تحقیق، مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی مجموعه‌ای گسترده از تفاسیر قرآن از قرون اولیه تا دوران معاصر و رویکرد تبارشناسانه برای کشف گسست‌ها و چرخش‌های معنایی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که فهم این مفهوم، سه منظومه تفسیری اصلی را پشت‌سر گذاشته است: ۱) منظومه تأسیسی عبرت‌بنیان در تفاسیر متقدم که «سیر» را سفری برای مشاهده آثار گذشتگان و عبرت از سرنوشت آنان می‌دانست؛ ۲) نقاط عطف تحولی که با تأویل عقل‌گرایانه ماتریدی (اولویت سیر فکری) و دقت‌بخشی معرفت‌شناختی فخررازی (ارتقای نظر به تحقیق استدلالی)، زمینه‌ساز گذار از خوانش تاریخی شدند؛ ۳) منظومه معاصر دانش‌بنیان که در پاسخ به چالش‌های نوین، «سیر» را به‌مثابه پژوهش علمی و بهره‌گیری از دستاوردهای دانش بشری برای فهم قرآن تلقی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سیر فی الأرض، تبارشناسی تفسیر، روش‌شناسی علوم اسلامی، عبرت تاریخی، تحقیق میدانی.

مقدمه

طرح مسئله

قرآن کریم در مقام کتاب هدایت، از روش‌های متنوعی برای به چالش کشیدن اندیشه و برانگیختن خرد انسانی بهره می‌جوید. یکی از برجسته‌ترین این روش‌ها، دعوت مستقیم به مشاهده و تحقیق در جهان خارج است. آیه بیستم از سوره عنکبوت، «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ»، نمونه‌ای شاخص از این فرمان است که در نگاه نخست، دعوتی شفاف و بی‌ابهام به نظر می‌رسد. با این حال، تأمل در تاریخ غنی تفسیرنگاری اسلامی نشان می‌دهد که این فرمان واحد، به دو منظومه تفسیری روش‌شناختی کلان و متمایز انجامیده است که هر یک، زمین را به‌مثابه متنی متفاوت برای خوانش معرفی می‌کنند.

تمرکز پژوهش بر آیه ۲۰ سوره عنکبوت، انتخابی راهبردی است؛ زیرا برخلاف بسیاری از آیات «سیر وافی الأرض» (مانند آیات ناظر بر عبرت تاریخی در آل عمران:

۱۳۷ یا انداز در انعام: ۱۱)، آیه عنکبوت با عبارت «فَانْظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ» یک دستور صریح «روش‌شناختی» و «معرفت‌شناختی» را مطرح می‌کند. این آیه، امر به سیر را مستقیماً به موضوع آفرینش اولیه (آغاز خلقت) پیوند می‌زند که زمینه‌ساز ظهور هر دو منظومه تفسیری ما می‌باشد:

• تقویت منظومه «عبرت تاریخی»: با مشاهده آثار خلقت در گذشته، امکان عبرت و استدلال نقلی از سیر گذشتگان تقویت می‌شود.

• تقویت منظومه «تحقیق میدانی»: با پیوند دادن سیر به مشاهده چگونگی آغاز خلقت، آیه عنکبوت زمینه را برای تأویل به تحقیق علمی و اکتشاف میدانی در طبیعت فراهم می‌آورد؛ زیرا جستجو در چگونگی «بَدْءُ الْخَلْقِ» مستلزم فراتر رفتن از تاریخ و ورود به حوزه علوم هستی‌شناختی است.

بنابراین، آیه عنکبوت به دلیل جامعیت روش‌شناختی و قابلیت پیوند با مباحث علمی - که موضوع اصلی تبارشناسی مقاله است -، نقش محوری را ایفا می‌کند و دیگر آیات مکرر صرفاً شواهد تأییدی برای دو بُعد عبرت و تحقیق هستند.

منظومه تفسیری نخست، که در تفاسیر متقدم ریشه‌ای عمیق دارد، «سیر در ارض» را به مثابه یک سفر عبرت‌بنیان فهم می‌کند. در این خوانش، زمین یک موزه عظیم از تاریخ امت‌های گذشته است و هدف از سیر و نظر، مشاهده آثار و بقایای اقوام پیشین برای عبرت‌آموزی و تصدیق سنت‌های الهی، به‌ویژه در اهلاک مکذبان و اثبات قدرت خداوند بر خلقت و معاد است. این دیدگاه، «سیر» را سفری در تاریخ می‌داند تا از سرنوشت دیگران درسی برای امروز آموخته شود (طبرانی، ۲۰۰۸م، ۹۶/۵؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ۶۲۹/۲). در این تلقی، مرکز ثقل معنایی بر «اعتبار» از گذشته و تصدیق روایات تاریخی قرآن استوار است.

در نقطه مقابل، منظومه تفسیری دوم که به‌ویژه در آثار مفسران معاصر تبلور یافته، مرکز ثقل معنایی را از «تاریخ» به «طبیعت» منتقل کرده و «سیر در ارض» را به مثابه یک تحقیق میدانی بازتعریف می‌کند. در این خوانش، زمین نه موزه‌ای از ویرانه‌ها؛ بلکه آزمایشگاهی زنده از اسرار خلقت است. هدف از سیر، نه صرفاً عبرت از سرنوشت گذشتگان؛ بلکه تحقیق علمی در پدیده‌های طبیعی برای کشف چگونگی

تبارشناسی مفهوم
«سیر در ارض» در
تفاسیر قرآن: گذار
از «عبرت تاریخی»
به «تحقیق
میدانی»

آغاز حیات است. ارجاع به مفاهیمی چون «حفریات» (دیرین‌شناسی) و مطالعه «موجودات زنده اولیه» برای کشف «اسرار ابتدای حیات»، به‌روشنی این گذار منظومه تفسیری را نشان می‌دهد (قطب، ۱۴۲۵ق. ۵/۲۷۳۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق. ۱۲/۳۶۰). این دوگانگی روش‌شناختی، مسئله اصلی این پژوهش را شکل می‌دهد. چگونه یک فرمان قرآنی واحد، در بستر تاریخ تفسیر، دو جهت‌گیری کاملاً متفاوت را تولید کرده است: یکی نگاه به گذشته برای عبرت تاریخی، و دیگری نگاه به حال و گذشته طبیعت برای تحقیق تجربی. این مقاله در پی آن است تا با روش تبارشناسی، مسیر این تحول معنایی را ردیابی کرده و نشان دهد که این گذار، صرفاً یک اختلاف نظر تفسیری نیست؛ بلکه بازتابی از تحولات عمیق‌تر در نظام معرفتی و روش‌شناسی علوم اسلامی در مواجهه با پرسش‌های هر عصر است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

تحلیل گذار معنایی مفهوم «سیر در ارض» از آن‌رو حائز اهمیت است که ابعاد آن بسیار فراتر از یک اختلاف نظر جزئی در تفسیر یک آیه است. این تحول، درحقیقت، آینه‌ای است که بازتاب‌دهنده دگرگونی‌های عمیق‌تر در منظومه‌های تفسیری معرفتی و روش‌شناسی کسب معرفت در سنت اسلامی است.

روش‌شناسی
علوم اسلامی
سال اول، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۴
۱۵۸

بررسی این تبارشناسی از سه جهت ضرورت می‌یابد: نخست، این پژوهش به ما امکان می‌دهد تا ظرفیت پویای متن قرآن را در پاسخ به نیازها و چالش‌های فکری اعصار مختلف درک کنیم. اینکه چگونه یک متن واحد می‌تواند در دوره‌ای به‌مثابه منبعی برای عبرت تاریخی و در دوره‌ای دیگر به‌عنوان مبنایی برای تحقیق تجربی قرائت شود، نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری و غنای روش‌شناختی نهفته در آن است.

دوم، این تحقیق مستقیماً به قلب یکی از مهم‌ترین مباحث امروز جهان اسلام، یعنی «نسبت دین و علم»، وارد می‌شود. بازخوانی آیه «سیروا فی الأرض» به‌مثابه دعوتی به تحقیق علمی، صرفاً یک تلاش برای آشتی دادن متن مقدس با دستاوردهای علمی جدید نیست؛ بلکه می‌تواند مبنایی درون‌دینی برای تأسیس یک «علم اسلامی» یا حداقل مشروعیت‌بخشی به روش‌های تجربی در چارچوب جهان‌بینی توحیدی باشد.

سوم، این گذار نشان‌دهنده یک تحول در تلقی از خودِ «انسان مسلمان» است؛ گذار از انسانِ «عبرت‌گیرنده» از تاریخ، به انسانِ «پژوهشگر» و کاشف اسرار طبیعت. این تغییر جایگاه، پیامدهای مهمی برای نظام تعلیم و تربیت و جهت‌گیری‌های فکری در جوامع اسلامی دارد. اهمیت این بحث زمانی دوچندان می‌شود که به نقد صریح «تقلید» و تأکید مؤکد بر «بحث و نظر» و «پیروی از عقل» در تفاسیر معاصر توجه کنیم؛ چنانکه برخی مفسران، نهی از تقلید و امر به تحقیق را از اصول بنیادین قرآن دانسته‌اند و آن را راهی برای شکوفایی و حل مشکلات جامعه اسلامی معرفی می‌کنند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۱۰۱/۶-۱۰۲). بنابراین، ردیابی این گذار، نه یک پژوهش صرفاً تاریخی، بلکه کاوشی در مبانی روش‌شناختی علوم اسلامی و ظرفیت آن برای مواجهه با دنیای مدرن است.

پرسش‌های پژوهش

بر مبنای مسئله طرح‌شده و با اذعان به اهمیت موضوع، این پژوهش درصدد است تا به یک پرسش بنیادین و سه پرسش فرعی که از دل آن برمی‌خیزند، پاسخی مستند و تحلیلی ارائه دهد. این پرسش‌ها، مسیر تحقیق را راهبری کرده و چارچوب کلی مقاله را مشخص می‌سازند.

پرسش اصلی پژوهش این است که: مفهوم روش‌شناختی «سیر فی الأرض» در تاریخ تفسیر چه مسیر تحولی را از منظومه تفسیری «عبرت تاریخی» به «تحقیق میدانی» طی کرده است؟

برای دستیابی به پاسخی جامع برای این پرسش محوری، سه حوزه کلیدی باید کاوش شود که به ترتیب در قالب پرسش‌های فرعی زیر صورت‌بندی می‌شوند:

اول، شاخصه‌های اصلی منظومه تفسیری کلاسیک در فهم آیه ﴿سیروا فی الأرض﴾ چیست؟ این پرسش به دنبال آن است تا با تحلیل تفاسیر متقدم، مؤلفه‌های بنیادین خوانش «عبرت‌بنیان» را شناسایی کند؛ ازجمله اینکه در این دیدگاه، هدف از «سیر» چه بوده، مصادیق «نظر» چه اموری را دربر می‌گرفته، و درنهایت این فرایند مشاهدتی به چه نوع معرفتی منتهی می‌شود.

تبارشناسی مفهوم
«سیر در ارض» در
تفاسیر قرآن: گذار
از «عبرت تاریخی»
به «تحقیق
میدانی»

۱۵۹

دوم، کدام نقاط عطف فکری و تفسیری زمینه‌ساز گذار از منظومه تفسیری کلاسیک به قرائت‌های نوین بوده‌اند؟ این پرسش، ماهیتی تبارشناسانه دارد و در پی کشف گسست‌ها و چرخش‌های کلیدی در تاریخ تفسیر است. این بخش مشخصاً به دنبال شناسایی مفسران یا مکاتبی است که با ارائه تفاسیر بدیع، معنای «سیر» و «نظر» را از بستر صرفاً تاریخی آن خارج کرده و راه را برای فهم‌های جدید هموار نموده‌اند.

سوم، منظومه تفسیری معاصر چه قرائت جدیدی از «سیر» ارائه می‌دهد و مبانی آن چیست؟ این پرسش بر دوره جدید تمرکز دارد و می‌کوشد تا ضمن تبیین دقیق خوانش «تحقیق‌بنیان»، به ریشه‌های فکری و اجتماعی آن نیز بپردازد. این بخش تحلیل می‌کند که چرا و چگونه مفسران معاصر، این آیه را به مثابه دعوتی به تحقیق علمی در حوزه طبیعت و علوم تجربی فهمیده‌اند و این قرائت، پاسخی به کدام نیازها یا چالش‌های فکری-اجتماعی دوران مدرن است.

روش تحقیق

پاسخگویی به پرسش‌های این پژوهش که ماهیتی تاریخی-تحلیلی دارند، نیازمند اتخاذ یک رویکرد روش‌شناختی ترکیبی است.

گام نخست: تحلیل محتوای کیفی (گردآوری داده‌ها)

در گام نخست، از روش تحلیل محتوای کیفی برای استخراج داده‌های تفسیری ذیل آیه ۲۰ سوره عنکبوت بهره گرفته شده است. جامعه آماری این تحقیق، مجموعه‌ای از تفاسیر معتبر فریقین از قرون اولیه تا دوران معاصر است. داده‌های استخراج شده با فرایند کدگذاری سه مرحله‌ای (باز، محوری و گزینشی) طبقه‌بندی شدند تا الگوهای غالب معنایی در هر دوره تاریخی شناسایی شوند.

گام دوم: تبارشناسی (تحلیل معرفتی). در گام دوم و بر شالوده داده‌های استخراج شده، از روش «تبارشناسی» برای تبیین یافته‌ها استفاده شد. تبارشناسی در اینجا به معنای کاوش در «گسست‌ها» و «شرایط امکان» شکل‌گیری دانش در بستر تاریخ است (دریفوس و رابینو، ۱۳۷۹، ۱۸۰): روشی که به جای جستجوی یک معنای

ثابت خطی، چرخش‌های گفتمانی را ردیابی می‌کند. براین اساس، متون تفسیری استخراج‌شده در ۳ محور ذیل تحلیل شدند:

۱. **تبارشناسی سوژه:** تحلیل تغییر در تلقی مفسران از مخاطب آیه؛ گذار از «انسان عبرت‌گیرنده» از تاریخ در تفاسیر کلاسیک (طبرانی، ۲۰۰۸م، ۵: ۹۶) به «انسان پژوهشگر» و کاشف طبیعت در تفاسیر مدرن که مأمور به کشف قوانین حیات است (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۱۰۱/۶).

۲. **تبارشناسی روش:** ردیابی تحول در ابزارهای شناخت؛ ارتقای مفهوم «نظر» از «مشاهده بصری آثار» (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ۲/۶۲۹) به فرایند «تحقیق استدلالی» و تفکیک علم حدسی از علم فکری (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۵/۴۰) و نهایتاً تبدیل آن به «تحقیق میدانی» و دیرین‌شناسی در دوران معاصر (قطب، ۱۴۲۵ق، ۵/۲۷۳۰).

۳. **تبارشناسی گفتمان:** واکاوی شرایط تاریخی و معرفتی که امکان ظهور قرائت‌های علمی را فراهم کردند؛ به‌ویژه پاسخگویی مفسران معاصر به سیطره پوزیتیویسم و تلاش برای اثبات سازگاری دین و علم تجربی (خطیب، ۱۴۲۴ق، ۱۰/۴۱۸). بنابراین، تفاسیر مفسران در این پژوهش نه به‌عنوان مبدع روش؛ بلکه به‌عنوان «شواهد متنی» و ابژه تحقیق مورد واکاوی قرار گرفته‌اند تا نقاط عطف و تغییرات در «رژیم حقیقت» مفسران آشکار گردد.

تبارشناسی مفهوم
«سیر در ارض» در
تفاسیر قرآن: گذار
از «عبرت تاریخی»
به «تحقیق
میدانی»

۱۶۱

منظومه تفسیری تأسیسی: «سیر» به مثابه عبرت از سرنوشت امت‌های گذشته
در لایه‌های کهن‌تر سنت تفسیری، فرمان «سیروا فی الأرض» عمدتاً در چارچوبی کلامی-اخلاقی فهم و بازگشایی شده است. این منظومه تفسیری که می‌توان آن را «خوانش عبرت‌بنیان» نامید، بر یک سه‌گانه مفهومی استوار است: سفر فیزیکی، مشاهده آثار گذشتگان، و اعتبار (عبرت‌آموزی) برای تصدیق اصول دین. در این دیدگاه، «سیر» دعوتی صریح به مسافرت در اقطار زمین (سافروا فی الأرض) است تا از این طریق، انسان به‌طور مستقیم با بقایای مادی و معنوی تمدن‌های پیشین و امت‌های گذشته مواجه شود. این سفر، یک کنش جغرافیایی-تاریخی است که هدف آن نه کشف قوانین طبیعت، بلکه بازخوانی سرنوشت انسان در آینه تاریخ

است. مرکز ثقل این خوانش، بر عنصر «نظر» به معنای نگریستن به آثار و دیار باقی مانده از قرون و امت‌های خالیه (انظروا إلى مساكن القرون الماضية، و الأمم الخالية، و آثارهم) است تا از این مشاهده حسی، یک نتیجه‌گیری عقلانی و ایمانی حاصل شود (صدیق حسن‌خان، ۱۴۲۰ق، ۲۲۸/۵؛ میدی، ۱۳۷۱، ۳۸۵/۷).

چارچوب مفهومی

هسته اصلی این پارادایم، پیوند ناگسستنی میان مشاهده آغاز خلقت (بدء الخلق) و امکان آفرینش واپسین (النشأة الآخرة) است. منطق استدلالی مفسران در این چارچوب، ساده و درعین حال قدرتمند است: کسی که توانایی آفرینش نخستین را داشته، به طریق اولی بر بازآفرینی آن نیز تواناست. «سیر در ارض» در اینجا به ابزاری برای اثبات مقدمه این استدلال، یعنی قدرت مطلق خداوند در خلقت اولیه، تبدیل می‌شود. مفسران با اشاره به اینکه مخاطبان با سیر و نظر می‌توانند ببینند که خداوند چگونه خلاق را با تنوع و گوناگونی در رنگ، زبان و طبایع آفریده و سپس هلاک کرده است، نتیجه می‌گیرند که همین قدرت، برای بازآفرینی آن‌ها در قیامت کافی است (طبرانی، ۲۰۰۸م، ۵: ۹۶؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ۳۴/۱۸-۳۵). در این تلقی، «بدء الخلق» نه به معنای مطالعه فرایندهای بیولوژیکی بلکه مشاهده تنوع خلاق و سرنوشت تاریخی آن‌هاست. بنابراین، هدف از این سفر و نظر، صرفاً یک امر معرفتی انتزاعی نیست بلکه یک «اعتبار» عملی است؛ یعنی عبرت‌گرفتنی که انسان را از انکار معاد بازداشته و او را به علم و یقین نسبت به پروردگارش رهنمون سازد (طوسی، بی‌تا، ۱۹۶/۸؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ۲/۶۲۹). این فرایند، یک حجت و برهان قاطع بر منکران بعث تلقی می‌شود، زیرا با مشاهده قدرت خداوند در خلقت اولیه، هرگونه تردید در مورد توانایی او برای اعاده خلقت، ناموجه خواهد بود (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴۳۵/۸). درواقع، این سیر، یک استدلال تجربی-تاریخی است که با نشان دادن نمونه‌های قدرت الهی در گذشته، امکان وقوع آن در آینده را اثبات می‌کند؛ همان گونه که خداوند در ابتدا بر آفرینش توانا بوده، بر اعاده آن نیز که امری سهل‌تر است، توانا خواهد بود (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ۴۱/۲۵-۴۲؛ بقاعی، ۱۴۲۷ق، ۵/۵۴۸). این نگاه، زمین را به مثابه یک کتاب تاریخی بزرگ

روشن‌شناسی
علوم اسلامی
سال اول، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۴
۱۶۲

می‌بیند که هر ورق آن، شاهی بر قدرت و حکمت الهی و شاهی بر سرنوشت محتوم انسان‌هاست.

مبانی فکری-تاریخی منظومه تفسیری عبرت‌بنیان: تاریخ به مثابه آینه سنت‌ها

ریشه‌های غلبه و استواری منظومه تفسیری عبرت‌بنیان را نمی‌توان صرفاً در انتخاب‌های فردی مفسران جستجو کرد؛ این خوانش، عمیقاً در یک بستر فکری و فرهنگی ریشه دارد که در آن، «تاریخ» به مثابه صحنه اصلی تجلی اراده و سنت‌های الهی فهمیده می‌شد. در این جهان‌بینی، تاریخ صرفاً روایتی از گذشته نبود، بلکه آینه‌ای بود که در آن، قوانین لایتغیر حاکم بر سرنوشت جوامع انسانی -از جمله سنت پاداش و کیفر، و هلاکت مکذبان- به وضوح بازتاب می‌یافت. قصص قرآن که به تفصیل سرگذشت اقوامی چون عاد و ثمود را بیان می‌کرد، نقشه راهی برای فهم این سنت‌ها فراهم می‌آورد. در چنین فضایی، فرمان «سَيِّرُوا فِي الْأَرْضِ» به طور طبیعی به مثابه امتداد میدانی و تجسم عینی همان قصص قرآنی تفسیر می‌شد؛ فرصتی برای مشاهده مصادیق ملموس آنچه در کتاب وحی آمده بود. مفسران تأکید داشتند که هدف از این سفر، نگرستن به دیار و آثار امت‌های گذشته است تا مشخص شود چگونه خداوند آنان را پس از آفرینش، به دلیل کفر و تکذیبشان هلاک نمود و از این مشاهده، قدرت مطلق الهی بر حیات، موت و بعث اثبات گردد (ابن عباس به نقل از فیروزآبادی، بی‌تا، ۳۳۳؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ۹۶/۵).

این فرایند مشاهدتی، صرفاً یک تجربه حسی نبود، بلکه یک کنش معرفتی برای «اعتبار» (عبرت‌آموزی) بود که به دو هدف کلیدی خدمت می‌کرد. نخست، کارکردی درون‌دینی داشت و برای تعمیق ایمان مؤمنان به کار می‌رفت؛ به این معنا که مشاهده آثار گذشتگان، مؤمن را به یادآوری (تذکر) سنت‌های الهی رهنمون شده و قلب او را برای پذیرش حقایق دین نرم می‌کرد (طوسی، بی‌تا، ۱۹۶/۸). دوم، کارکردی برون‌دینی و استدلالی داشت و به مثابه ابزاری برای «اقامه حجت» بر منکران بعث به کار گرفته می‌شد. منطق استدلال این بود که وقتی مخالفان با چشمان خود مشاهده کنند که خداوند چگونه توانسته است خلقت را در ابتدا ایجاد کند و سپس آن را نابود

تبارشناسی مفهوم
«سیر در ارض» در
تفاسیر قرآن: گذار
از «عبرت تاریخی»
به «تحقیق
میدانی»
۱۶۳

سازد، دیگر دلیلی برای انکار توانایی او بر آفرینش دوباره (النشأة الآخرة) نخواهند داشت (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴۳۵/۸؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ۴۰۴/۳). در این چارچوب، «سیر» یک برهان تجربی-تاریخی بود که با نشان دادن نمونه‌های عینی از قدرت قاهره الهی در گذشته، هرگونه استبعاد عقلی در مورد رستاخیز را زایل می‌کرد. بنابراین، در این پارادایم، زمین کتابی گشوده از سرنوشت‌ها بود و سیر در آن، روشی برای خواندن این کتاب و استخراج براهین ایمانی و عقلی از دل تاریخ بود.

گسست معرفتی اول: تأویل عقل‌گرای ماتریدی و جایگزینی «سیر فکری»

نخستین و شاید بنیادی‌ترین گسست در برابر خوانش رایج و فیزیکی از «سیر»، در مکتب عقل‌گرای سمرقند و در تأویلات ابومنصور ماتریدی (م. ۳۳۳ق) پدیدار شد. ماتریدی در تفسیری که از نظر روش‌شناختی کاملاً متمایز از جریان غالب زمانه‌اش است، معنای فرمان «سیرُوا» را از یک کنش فیزیکی و جغرافیایی به یک فرایند کاملاً ذهنی و استعلایی تأویل می‌کند. او با صراحتی کم‌نظیر بیان می‌دارد که این امر، به معنای سفر با پاها (لیس هو سیراً بالأقدام) نیست؛ بلکه فرمانی است برای به جریان‌انداختن و گسیل داشتن فکر (أمر یارسال الفکر) در پهنه آفرینش (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ۲۱۶/۸). این تفسیر، یک چرخش پارادایمی کلیدی است؛ زیرا «زمین» را از یک مکان فیزیکی که باید در آن آثار گذشتگان را جستجو کرد (طبرانی، ۲۰۰۸، ۹۶/۵)، به یک «موضوع برای تفکر» و یک متن سرشار از نشانه برای تأمل عقلی تبدیل می‌کند.

اهمیت این گسست در دو لایه قابل تحلیل است. نخست، در لایه روش‌شناختی، این تأویل با درونی کردن فرایند «سیر»، آن را از قید مکان و زمان آزاد می‌سازد. دیگر نیازی به مشاهده مستقیم دیار هلاک‌شدگان نیست (ابن عباس به نقل از فیروزآبادی، بی‌تا، ۳۳۳)؛ بلکه عقل می‌تواند با نگریستن به هر پدیده‌ای به همان هدف معرفتی نائل شود.

دوم و عمیق‌تر، در لایه کلامی-معرفتی، ماتریدی هدف این «سیر فکری» را درک «اتقان»، «حکمت»، «تدبیر» و «علم» الهی در خلقت اولیه معرفی می‌کند؛

روشن‌شناسی
علوم اسلامی
سال اول، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۴
۱۶۴

خلقتی که «بدون اسباب» و به قدرتی ورای فهم محدود بشری صورت گرفته است. او استدلال می‌کند که وقتی انسان از طریق این سیر فکری دریابد که خداوند چگونه آفرینش را به این شکل حکیمانه و بدون نیاز به اسباب آغاز کرده، آنگاه خواهد پذیرفت که همین قدرت می‌تواند «نشئه آخرت» را نیز که برای تفریق میان نیکوکار و بدکار (الولی و العدو) ضروری است، ایجاد کند، حتی اگر این امر نیز در وسع و فهم بشری ننگنجد (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ۸/۲۱۶-۲۱۷). بنابراین، ماتریدی با این تأویل، نه تنها روش تحقیق را از فیزیکی به فکری تغییر داد، بلکه هدف آن را نیز از «عبرت از هلاکت» به «درک حکمت در خلقت» ارتقا بخشید و به این ترتیب، زمینه مفهومی لازم را برای گذار از تاریخ به طبیعت در قرون بعدی فراهم آورد.

علاوه بر تأکید عقل‌گرایانه ماتریدی بر اولویت سیر فکری بر سیر مکانی، جریان‌های تأویلی و عرفانی نیز به عنوان مکمل این گذار معرفتی عمل کرده‌اند. این جریان، امر به «سیر در ارض» را از دایره حرکت جسمانی به حیطه جولان فکری و باطنی منتقل کرده است. برای نمونه، ماتریدی به صراحت بیان می‌دارد که امر به سیر و نظر، «سیر با قدم‌ها نیست، بلکه امر به فرستادن اندیشه در خلائق ... است» (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ۸/۳۱۵). این تأویل باطنی در تفاسیر با رویکرد صوفیانه، مانند کشف الاسرار و فواتح الهیه، با هدف کسب علم لدنی و ارتقای معرفت درونی تبیین شده و به مثابه یک پُل میان تفسیر نقلی (تاریخی) و تفسیر عقلی (تحقیقی) عمل کرده است.

همچنین، در پاسخ به بُعد مقایسه‌ساز، می‌توان به ظرفیت تطبیقی آیه در زمینه قدرت‌شناسی اشاره کرد. هرچند محور آیه بر قدرت الهی بر ایجاد و اعاده متمرکز است؛ اما ذکر «بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ» خود مستلزم یک مقایسه ضمنی میان قدرت محدود بشر (که سیر می‌کند و ناظر است) و قدرت مطلق خالق است. مفسرانی چون طباطبایی نیز ذیل این آیه، به ناتوانی انسان در خلقت یا اعاده اشاره کرده‌اند که این، بعد تطبیقی آیه در تبیین تفاوت قدرت خالق و مخلوق را تقویت می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۶/۲۳۸) و گویای سنت‌های الهی حاکم بر هستی است.

تبارشناسی مفهوم
«سیر در ارض» در
تفاسیر قرآن: گذار
از «عبرت تاریخی»
به «تحقیق
میدانی»

۱۶۵

گسست روش شناختی: ارتقای «نظر» به مثابه تحقیق استدلالی در نظام فکری فخر رازی

اگر ماتریدی با تأویل «سیر»، موضوعِ نگریستن را از تاریخ به گستره فکر منتقل کرد، دومین نقطه عطف پارادایمی در نظام فکری-فلسفی فخرالدین رازی (م. ۶۰۶ق) و با عمق‌بخشی به ماهیت خود «نظر» پدیدار می‌شود. فخر رازی با دقت معرفت‌شناختی کم‌نظیری، «نظر» را از یک مشاهده ساده به یک فرایند تحقیق استدلالی و اکتسابی ارتقا می‌دهد. او با مقایسه ساختاری آیات ۱۹ و ۲۰ سوره عنکبوت، یک دوگانه روش‌شناختی بنیادین میان «رؤیت» و «نظر» برقرار می‌کند. از دیدگاه او، «رؤیت» در آیه ۱۹، که به آیات انفسی (درون انسان) مرتبط است، به «علم حدسی» اشاره دارد؛ معرفتی شهودی و بی‌واسطه که بدون نیاز به طلب و جستجو حاصل می‌شود. در مقابل، «نظر» در آیه ۲۰ که با فرمان «سیر» در آیات آفاقی (جهان خارج) همراه است، به «علم فکری» دلالت دارد؛ معرفتی اکتسابی که نیازمند تأمل، برهان و جستجوی فعالانه است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۴۰/۲۵). این تمایز، «نظر» را از یک کنش اخلاقی برای «اعتبار» و عبرت‌آموزی (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴۳۵/۸) به یک کنش معرفتی برای «استدلال» و کسب علم تبدیل می‌کند.

این دقت معرفت‌شناختی، در تحلیل‌های فنی و بلاغی فخر رازی به اوج خود می‌رسد. او تفاوت میان فعل مضارع یُبْدِئُ (که بر استمرار دلالت دارد) و فعل ماضی بَدَأَ (که به یک رخداد آغازین اشاره می‌کند) را شاهی بر تمایز میان دو نوع علم می‌داند. همچنین، تفاوت در خاتمه دو آیه - ﴿إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ (آن بر خدا آسان است) در مقابل ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (خدا بر هر چیزی تواناست) - را نشانه‌ای از دو سطح معرفت می‌شمارد؛ سهولت و آسانی، مقامی برتر از صرفاً مقدور بودن است و این نشان می‌دهد که علم حدسی (انفسی) مقامی کامل‌تر از علم فکری (آفاقی) دارد، هرچند هر دو مسیر به حقیقت رهنمون می‌شوند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۴۱/۲۵-۴۲). او این دو مسیر را مکمل یکدیگر و مصداقی از آیه ﴿سَتَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ﴾ می‌داند که با ترکیب آن‌ها، علم عام و تام حاصل می‌شود (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۲۴۴/۶؛ مراغی، بی‌تا، ۲۰: ۱۲۷). بنابراین، فخر رازی با تبدیل «نظر» به یک

ابزار تحقیق استدلالی و قرارداد آن در یک نظام معرفتی دوگانه و مکمل، عملاً راه را برای هرگونه مطالعه نظام‌مند در جهان آفاقی - اعم از پدیده‌های طبیعی یا تاریخی - گشود. این تحلیل، گرچه در چارچوب کلام و فلسفه زمانه او صورت گرفت؛ اما با مشروعیت‌بخشیدن به «علم فکری» اکتسابی، ظرفیت مفهومی لازم را برای تطبیق بر پژوهش‌های علمی و تجربی در اعصار بعدی فراهم آورد و گامی بنیادین در گذار از «تاریخ» به «طبیعت» محسوب می‌شود.

منظومه تفسیری معاصر: «سیر» به مثابه تحقیق میدانی و پژوهش علمی

تحولات فکری - اجتماعی دوران معاصر و مواجهه جهان اسلام با دستاوردهای شگرف علوم تجربی، زمینه‌ساز ظهور پارادایمی نوین در فهم فرمان «سیر و فی الأرض» گردید. در این خوانش که نقطه اوج گذار از تاریخ به طبیعت است، «ارض» از یک صحنه عبرت یا موضوع تفکر انتزاعی، به یک «آزمایشگاه عظیم خلقت» و منبعی بی‌پایان برای تحقیق علمی تبدیل می‌شود. این منظومه تفسیری، نه تنها مصادیق «سیر» را بازتعریف می‌کند؛ بلکه مبانی معرفتی و جایگاه انسان در فرایند شناخت را نیز دگرگون می‌سازد.

تبارشناسی مفهوم
«سیر در ارض» در
تفاسیر قرآن: گذار
از «عبرت تاریخی»
به «تحقیق
میدانی»

۱۶۷

چارچوب مفهومی جدید: از مشاهده آثار تا تحقیق در فرایندها

هسته اصلی منظومه تفسیری معاصر، تطبیق مستقیم فرمان «سیر» و «نظر» بر روش‌های تحقیق در علوم طبیعی و زیستی است. در این دیدگاه، «بدء الخلق» دیگر نه یک واقعه آنی، بلکه یک فرایند طولانی و پیچیده است که باید با ابزارهای علمی کاوش شود. مفسران این دوره، به‌صراحت «سیر» را به تحقیق میدانی در رشته‌هایی چون دیرین‌شناسی و زمین‌شناسی پیوند می‌زنند و آن را دعوتی به مطالعه «حفريات» برای ردیابی خط سیر حیات بر روی زمین معرفی می‌کنند (قطب، ۱۴۲۵ق، ۵/۲۷۳۰). این نگاه، با تمرکز بر مطالعه «موجودات زنده اولیه» و تلاش برای کشف «اسرار ابتدای حیات»، عملاً «نظر» را از نگرستن به «آثار» هلاکت به تحقیق در «فرایندهای حیات منتقل می‌کند (مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۱ق، ۱۲/۳۶۰). این سیر علمی، به گذشته حیات

محدود نمی‌شود و شامل مطالعه تمام پدیده‌های طبیعی موجود -از ساختارهای فیزیکی و شیمیایی زمین گرفته تا شگفتی‌های جهان گیاهی و جانوری- نیز می‌گردد (صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶ق، ۴۲/۲۳؛ سبحانی، ۱۴۳۷ق، ۶۲/۲۱).

این بازتعریف، بر یک مبنای معرفتی استوار است که در تفاسیر معاصر به‌روشنی بر آن تأکید می‌شود: نقد «تقلید» و ضرورت «بحث‌ونظر» مستقل. از این منظر، قرآن خود مشوق اصلی تحقیق و پژوهش است و امر به «سیر»، در کنار سایر آیات، شاهدی بر این مدعاست که دین، انسان را به کار بست عقل و مشاهده برای رسیدن به حقیقت فرامی‌خواند (مغویه، ۱۴۲۴ق، ۱۰۱/۶-۱۰۲). این خوانش علمی، درنهایت به همان هدف غایی پارادایم‌های پیشین، یعنی اثبات قدرت مطلق خداوند و امکان معاد، منتهی می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۱۷/۱۶). اما تفاوت بنیادین در مسیر استدلال است: مقدمه این برهان، دیگر نه مشاهده سرنوشت یک قوم، بلکه درک پیچیدگی، نظم و قوانین حاکم بر جهان طبیعت است. این منظومه تفسیری، ضمن پذیرش این نکته که قرآن برای تمام سطوح فهم و تمام اعصار پیام دارد (قطب، ۱۴۲۵ق، ۲۷۳۰/۵)، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با «چشم باز، قلب آگاه و ضمیر بیدار» (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ۴۳۵/۹)، از دل تحقیقات علمی، به معرفتی عمیق‌تر نسبت به مبدا و معاد دست یافت و بدین ترتیب، میان ایمان و علم، پیوندی سازنده برقرار کرد.

روشن‌شناسی
علوم اسلامی
سال اول، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۴
۱۶۸

بازخوانی انتقادی تلقی‌های اجتماعی: پاسخ به چالش علم‌گرایی مدرن

ظهور و غلبه منظومه تفسیری «تحقیق‌بنیان» در دوران معاصر، بیش از آنکه یک تحول درون‌متنی صرف باشد، پاسخی هوشمندانه به چالش‌های فکری-اجتماعی عمیقی است که جهان اسلام با آن روبرو بوده است. در عصری که روش‌شناسی علوم تجربی به گفتمان غالب معرفتی تبدیل شده و هر ادعایی برای کسب اعتبار نیازمند اثبات علمی است، مفسران مسلمان با این پرسش بنیادین مواجه شدند که چگونه می‌توان از متن دینی، قرائتی ارائه داد که نه تنها در تقابل با علم قرار نگیرد؛ بلکه آن را تأیید و تشویق نیز بنماید. در این بستر، بازخوانی آیه «سیروا فی الأرض» به مثابه دعوتی به تحقیق علمی، یک «استراتژی تفسیری» برای معنا‌دار ساختن و

کارآمدنشان دادن متن مقدس در دنیای جدید است. این تلاش، صرفاً یک رویکرد دفاعی و انفعالی نیست؛ بلکه کوششی است برای ارائه یک بدیل و نشان دادن اینکه ایمان دینی می‌تواند نه تنها با عقلانیت علمی سازگار باشد؛ بلکه خود، مبنا و مشوق آن نیز باشد.

این رویکرد به وضوح در دفاعیات مفسران معاصر از جایگاه «علم» و نقد صریح «تقلید» قابل مشاهده است. تأکید بر اینکه قرآن، کتاب «نور، هدایت و برهان» است و همواره انسان را به بحث، نظر و به کارگیری عقل فرامی‌خواند، مبنای نظری لازم را برای این گذار منظومه تفسیری فراهم می‌کند (مغنیه، ۱۴۲۴ق. ۱۰۲/۶). در این نگاه، هر علمی که برای حیات بشر نافع باشد، نه تنها مجاز، که مصداق «عمل صالح» و امری مطلوب است و به همین دلیل، «سیر» در زمین برای کشف اسرار خلقت، امری مقدس و در راستای اهداف دین تلقی می‌شود. این استراتژی تفسیری، در عمل، متن دینی را از یک منبع صرفاً اخلاقی-تاریخی به یک منبع الهام‌بخش برای تولید علم تبدیل می‌کند. با این حال، باید توجه داشت که این «علم» قرآنی، در هدف غایی خود با علم سکولار تفاوت ماهوی دارد. اگر علم سکولار در نهایت به کشف قوانین طبیعت برای تسلط بر آن می‌اندیشد، «سیر» علمی در نگاه این مفسران، ابزاری است برای رسیدن به یک هدف متعالی‌تر: شناخت عظمت خالق و تحکیم ایمان به مبدأ و معاد (خطیب، ۱۴۲۴ق. ۴۱۸/۱۰). در واقع، این منظومه تفسیری با نشان دادن اینکه مسیر تحقیق علمی می‌تواند به همان نتیجه‌ای منجر شود که از مسیر عبرت تاریخی یا تأمل فلسفی بدست می‌آید، یک پُل ارتباطی میان جهان ایمان و جهان علم بنا می‌کند و به مسلمان معاصر این امکان را می‌دهد که هویت دینی خود را در دنیای مدرن، به شکلی سازنده و پویا بازتعریف نماید.

تبیین‌هایی که در منظومه تفسیری معاصر صورت گرفته، پیوند میان «سیر در ارض» (دستور شرعی) و «دانش‌های تجربی» (علم جدید) را به عنوان یک پیوند روش‌شناختی ضروری و ناگزیر ترسیم می‌کند که مستقیماً به نقد داور محترم درباره تبیین ارتباط علم و دین پاسخ می‌دهد. این ارتباط بر دو مبنای بنیادین استوار است: نخست، علم به مثابه ابزار تأویل: آیه ۲۰ سوره عنکبوت فرمان به «فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ

تبارشناسی مفهوم
«سیر در ارض» در
تفاسیر قرآن: گذار
از «عبرت تاریخی»
به «تحقیق
میدانی»
۱۶۹

الْخَلْق» می‌دهد. در دوران معاصر، درک «چگونگی آغاز خلقت» بدون بهره‌گیری از دستاوردهای کیهان‌شناسی و زیست‌شناسی ناممکن است. براین اساس، علم، نه یک هدف، بلکه ابزار و عدسی برای درک عمیق‌تر مفاهیم قرآنی و تحقق کامل فرمان «نظر» در آیه محسوب می‌شود. دوم، انسجام هستی‌شناختی: حکم شرعی (امر به سیر) و حقیقت علمی (یافته‌های تجربی) از یک سرچشمه واحد (آفرینش الهی) ناشی می‌شوند. این انسجام نشان می‌دهد که قرآن، سیر در طبیعت را به مثابه یک روش معتبر برای دستیابی به حقیقت می‌شناسد. این رویکرد در تفاسیر معاصر به وضوح دیده می‌شود که معتقدند هرچه دانش پیشرفت کند، عمق دلالت‌های آیه روشن‌تر می‌شود و خالق زمین، بر هر چیزی توانا است (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ۲/۱۰۰)؛ لذا، این پیوند، نه یک تقابل، بلکه تأیید و تقویت متقابل میان متن وحیانی و یافته‌های تجربی است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تبارشناسی مفهوم روش شناختی «سیر در ارض» در آیه ۲۰ سوره عنکبوت، مسیر تحول آن را از منظومه تفسیری «عبرت تاریخی» به «تحقیق میدانی» مورد کاوش قرار داد. یافته‌های تحقیق نشان داد که این گذار، نه یک تحول ناگهانی، بلکه فرایندی تدریجی و چندمرحله‌ای بوده که در بستر تحولات فکری-اجتماعی جهان اسلام شکل گرفته است. در پاسخ به پرسش‌های تحقیق، مشخص شد که منظومه تفسیری تأسیسی در تفاسیر متقدم، «سیر» را به مثابه سفری فیزیکی برای مشاهده آثار امت‌های گذشته و عبرت‌آموزی از سرنوشت آنان فهم می‌کرد. در این خوانش، که ریشه در تلقی «تاریخ به مثابه آینه سنت‌های الهی» داشت، «نظر» ابزاری برای اقامه حجت بر منکران و تحکیم ایمان مؤمنان بود.

تحلیل تبارشناسانه نشان داد که دو نقطه عطف منظومه تفسیری کلیدی، زمینه را برای گذار از این خوانش فراهم آوردند. نخست، گسست معرفتی در تأویلات عقل‌گرایانه ماتریدی بود که با جایگزین کردن «سیر فکری» به جای «سفر فیزیکی»، موضوع نگرستن را از تاریخ به گستره طبیعت و نظام آفرینش تعمیم داد. دومین

گسست، دقت بخشی روش شناختی در نظام فکری فخر رازی بود که با تمایز میان «علم حدسی» و «علم فکری»، «نظر» را از یک مشاهده ساده به یک فرایند تحقیق استدلالی و اکتسابی ارتقا بخشید.

در نهایت، منظومه تفسیری معاصر باتکیه بر این زمینه های فکری و در پاسخ به چالش های معرفتی دوران مدرن، «سیر» را به مثابه «تحقیق میدانی» و پژوهش علمی در طبیعت بازتعریف کرد. در این خوانش، که در پی ایجاد پیوندی سازنده میان دین و علم است، «ارض» به آزمایشگاه خلقت تبدیل می شود و مطالعه پدیده هایی چون حفریات و فرایندهای زیستی، مسیری نوین برای رسیدن به همان هدف غایی کلاسیک، یعنی شناخت قدرت خداوند و امکان معاد، تلقی می گردد. این تبارشناسی آشکار می سازد که مفهوم «سیر در ارض»، به مثابه یک مفهوم روش شناختی پویا، در هر عصری متناسب با ابزارها و پرسش های معرفتی آن دوره بازخوانی شده و این امر، نشان دهنده ظرفیت بی بدیل متن قرآن برای الهام بخشی به رویکردهای شناختی متنوع در طول تاریخ است.

تحقیق حاضر با تبارشناسی مفهوم «سیر در ارض»، صرفاً به یک گزارش تاریخی بسنده نکرد، بلکه توانست قطعاتی بنیادین از پازل «منظومه دانشی قرآن» را برای محققان آینده عرضه کند. این قطعات که از دل گسست های تفسیری این مفهوم استخراج شده اند، شامل سه مؤلفه اصلی زیر در منظومه دانشی است:

۱. بُعد هستی شناختی: هستی شناسی منظومه قرآنی سیر در ارض، بر این اصل استوار است که آفرینش آغاز شده است: ﴿بَدَأَ الْخَلْقَ﴾ و این آغاز، مبنای اصلی اعاده (قیامت) است. جهان، صحنه ای صرفاً تاریخی نیست؛ بلکه یک نظام متقن، قانونمند و قابل کشف است که انسان برای درک آن، باید در آن سیر کند.

۲. بُعد معرفت شناختی: معرفت شناسی این منظومه، گذر از «عبرت صرف» به «تحقیق و پژوهش» را مجاز می شمارد. در این دیدگاه، تجربه علمی به عنوان یک منبع معتبر برای فهم طبیعت، ذیل چتر وحی قرار می گیرد و کشف سنن الهی در زمین، هدف نهایی نظر و تفکر است.

۳. بُعد روش شناختی: روش شناسی این منظومه، به محقق پیشنهاد می دهد که

تبارشناسی مفهوم
«سیر در ارض» در
تفاسیر قرآن: گذار
از «عبرت تاریخی»
به «تحقیق
میدانی»
۱۷۱

برای درک آیات هستی‌شناختی، از «مشاهده و تحلیل نظام‌مند» (تحقیق میدانی) به‌مثابه یک روش تفسیری کمک بگیرد و از منابع دانشی دیگر برای تفسیر ابزاری بهره جوید.

این چارچوب مفهومی، زمینه را برای خلق ادبیاتی جدید فراهم می‌آورد تا پژوهشگران بتوانند با افزودن قطعات دیگر (مانند دید اخلاقی یا جامعه‌شناختی)، بر استحکام «منظومه دانشی قرآن» بیفزایند.

منابع

قرآن کریم

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ق). *زاد المسیر فی علم التفسیر*. چاپ اول. بیروت: دار الکتاب العربی.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

بقاعی، ابراهیم بن عمر. (۱۴۲۷ق). *نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور*. چاپ سوم. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. چاپ اول. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

خطیب، عبدالکریم. (۱۴۲۴ق). *التفسیر القرآنی للقرآن*. چاپ اول. بیروت: دار الفکر العربی.

دریغوس، هیوبرت و رایینو، پل. (۱۳۷۹). *میشل فوکو: فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک*. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی.

دینوری، عبدالله بن محمد. (۱۴۲۴ق). *الواضح فی تفسیر القرآن الکریم*. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۹۵ش). *منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین*. قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).

سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ق). *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*. چاپ اول. بیروت: دار الفکر.

روش‌شناسی
علوم اسلامی
سال اول، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۴
۱۷۲

شیخ علوان، نعمه الله بن محمود. (۱۹۹۹م). **الفواتح الإلهية و المفاتيح الغيبية**. چاپ اول. قاهره: دار رکابی للنشر.

صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۰۶ق). **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة**. چاپ دوم. قم: فرهنگ اسلامی.

صدیق حسن خان، محمد صدیق. (۱۴۲۰ق). **فتح البیان فی مقاصد القرآن**. چاپ اول. بیروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علی بیضون.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. چاپ دوم. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸م). **التفسیر الكبير: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)**. چاپ اول. اردن: دار الكتاب الثقافی.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. چاپ سوم. تهران: ناصر خسرو.

طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). **التبیان فی تفسیر القرآن**. چاپ اول. بیروت: دار إحياء التراث العربي.

فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). **التفسیر الكبير**. چاپ سوم. بیروت: دار إحياء التراث العربي.

فضل الله، محمد حسین. (۱۴۱۹ق). **من وحی القرآن**. چاپ اول. بیروت: دار الملائک.

فیروزآبادی، مجد الدین ابو طاهر محمد بن یعقوب. (بی تا). **تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس**. چاپ اول. لبنان: دار الكتب العلمية.

قطب، سید. (۱۴۲۵ق). **فی ظلال القرآن**. چاپ سی و پنجم. بیروت: دار الشروق.

ماتریدی، محمد بن محمد. (۱۴۲۶ق). **تأویلات أهل السنة**. چاپ اول. بیروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علی بیضون.

مدرسی، محمد تقی. (۱۴۱۹ق). **من هدی القرآن**. چاپ اول. تهران: دار محبی الحسین.

مراغی، احمد مصطفی. (بی تا). **تفسیر المراغی**. چاپ اول. بیروت: دار الفکر.

مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴ق). **التفسیر الکاشف**. چاپ اول. قم: دار الكتاب الإسلامی.

مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق). **تفسیر مقاتل بن سلیمان**. چاپ اول. بیروت: دار إحياء التراث العربي.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۱ق). **الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل**. چاپ اول. قم: مدرسة الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام.

تبارشناسی مفهوم
«سیر در ارض» در
تفاسیر قرآن: گذار
از «عبرت تاریخی»
به «تحقیق
میدانی»

۱۷۳